فصلنامه علمي پژوهشي رفاه اجتماعي،

جهاني شدن، مهاجرت و فقر در ايران

پويا علاءالديني*، يحيي امامي**

هدف اصلي اين مقاله بررسي جنبه هاي مختلف مهاجرت در ايران، هم به عنوان كشور مقصد و هم به عنوان كشور مبدأ، در ارتباط با مسألة فقر است. اين بررسي، اقدامي مقدماتي در گردآوري اطلاعات موجود درباب جنبه هاي مختلف پيوند مهاجرت نيروي كار و فقر در كشور است. اگرچه به دست دادن تحليلي عميق در باب اين موضوع اطلاعات بسيار گسترده تري را مي‌طلبد، مع هذا اميد مي‌رود از طريق غور در داده هاي موجود، ساختار كلي مهاجرت نيروي كار در ايران شناسايي شود، در مورد تأثير آن بر فقر گمانه‌زني‌هايي انجام گيرد، چالش‌هاي موجود برجسته شوند و مجموعه اي از پيشنهادهاي مقدماتي ارائه گردد. در طي مقاله، استدلال مي‌شود كه مهاجرت اتباع افغان و عراقي به ايران هرچند كه موجب بهبود نسبي وضع مهاجران با توجه به شرايط

* دكتراي جامعه شناسي، عضو هيأت علمي دانشگاه تهران <>palaedini@ut.ac.ir

** دانشجوي دكتراي جامعه شناسي دانشكده علوم اجتماعي دانشگاه تهران

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بحراني در كشورهاي مبدأشان شده است، اما در عين حال آنان را به قشر نسبتا گستردة فقيري در حاشيهٔ شهرهاي ايران تبديل ساخته است. همچنين در مقاله نشان داده مي‌شود كه مهاجرت برون مرزي ايرانيان كشور را از بهره‌گيري از تحصيلات عالي، مهارت‌هاي ويژه و سرمايه‌هاي گستردهٔ اين گروه محروم ساخته است؛ . اين امر بي‌شك نتايج نامطلوبي در زمينهٔ گسترش فقر به همراه داشته است . افزون بر اين، آثار انتقال ارز به ايران توسط مهاجران به دليل ويژگي هايشان محدود است.

كليدواژه‌ها: انتقال ارز، ايران، فقر، مهاجرت
تاريخ دريافت مقاله: 84/1/23 تاريخ پذيرش مقاله: 84/5/26

مقدمه

حجم مهاجرت‌ها در سطح بين المللي همگام با پديدهٔ جهاني شدن در چند دههٔ گذشته پيوسته افزايش يافته است. آمار ارائه شده توسط سازمان بين المللي مهاجرت (IOM, 2005:379) حاكي از آن است كه در سال 2000 ميلادي 175 ميليون نفر در خارج از كشورِ زادگاه خود مي‌زيسته‌اند. در مقام مقايسه، تعداد كل مهاجران بين‌المللي در سال 1960 تنها بالغ بر 76 ميليون تن مي‌شده است. در نتيجه، رشد جمعيت مهاجران بين‌المللي ميان دو مقطع زماني ذكر شده

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

(به میزان 2/9 درصد) بیش از رشد جمعیت کل جهان (تقریباً 2/5 درصد) بوده است. تعداد مهاجران بین‌المللی اکنون در حدود 190 میلیون تخمین زده می‌شود.

مهاجرت و فقر پیوندی تنگاتنگ و دو سویه دارند. فقر ممکن است باعث مهاجرت شود و مهاجرت نیز می‌تواند موجب تشدید یا کاهش فقر در هر کدام از کشورهای مبدأ یا مقصد گردد. فقر مطلق (اغلب به دلیل جنگ و بلایای طبیعی) می‌تواند به طور مستقیم مردم را مجبور به جابه‌جایی کند. اما در اکثر موارد نه فقر مطلق بلکه احساس فقر است که موجب مهاجرت می‌شود. گسترش روزافزون ارتباطات و رشد حجم مس افرت‌ها پیوسته موجب افزایش اطلاعات اقشار مختلف در باب نحوهٔ زندگی مردم در دیگر نقاط جهان می‌شود. این امر رفته رفته باعث افزایش احساس فقر نسبی ــ نه در میان فقیرترین اقشار بلکه بین افرادی که ممکن است به شکلی از حداقل معیشت برخوردار باشند ــ می‌گردد، بدون این که سطح واقعی زندگی‌شان نزول کرده باشد. این فرایند احتمالاً منشأ اکثر مهاجرت‌هاست. همچنین، مهاجرت می‌تواند هم در مکان مبدأ و هم در کشور مقصد موجب گسترش فقر شود. در بسیاری از موارد، افرادی که تحت تأثیر اطلاعات جدید از دیگر کشورها، دست به مهاجرت می‌زنند در زمرهٔ خلاق‌ترین

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

و آموزش ديده‌ترين افراد جامعه هستند و با جابه‌جايي، كشور مبدأ را از آثار محتمل مثبت شان محروم مي‌كنند. بي‌شك، از دست دادن افراد خلاق، نوآور و آموزش‌ديده بر كل اقتصاد و اجتماع تأثير منفي مي‌گذارد و موجب گسترش فقر مي شود. مورد مرتبط ديگر جابه‌جايي و مهاجرت بدون برنامه‌ريزي و حمايت كافي است. فقدان برنامه‌ريزي و نداشتن هدف مشخص و حمايت‌هاي كافي در مقصد مهاجرت مي‌تواند باعث از دست رفتن سرمايه و ايجاد فقر شود. افزون بر اين، فقدان برنامه ريزي مي‌تواند باعث عدم استفاده از توانايي هاي فرد مهاجر شود و او را فقيرتر كند. تمركز مهاجران فقير در شهرهاي بزرگ كشورهاي مقصد مؤيد اين نظر است. اگرچه مهاجران در بسياري از موارد جزو افراد فقير جامعة خودشان محسوب نمي‌شوند، اما اغلب در كشورهاي مقصد در زمرة افراد فقير قرار مي‌گيرند. در بسياري از موارد، اين افراد قادر به يافتن شغل مناسب در زمينه هاي مرتبط با تخصص يا مهارتشان نيستند و تنها مي توانند به فعاليت‌هاي حاشيه‌اي، بدون تامين اجتماعي و با دستمزد پايين، بپردازند. (Skeldon, 1990; Skeldon, 2003; Harris, 2002; Sahlins, 1974)

البته مهاجرت ممكن است باعث كاهش فقر هم بشود. مهاجرت مي‌تواند به مثابه شبكه‌اي عمل كند كه مبدأ

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

و مقصد را به هم مرتبط مي‌سازد. در اين شبكه، نه تنها افراد بلكه پول و كالا نيز جابه‌جا مي‌شوند. مهاجرت يک فرد به منزلة گسترش منابع درآمدي خانوادة اوست، كه امكان كاهش ميزان مخاطرات را فراهم مي آورد. افزون براين، در برخي موارد، مرداني كه به منظور يافتن شغل به كشورهاي ديگر مهاجرت مي كنند مسئوليت هاي خانه را به زنان (همسرشان) واگذار مي‌كنند. اين خود مي‌تواند باعث افزايش مسئوليت پذيري زنان و ارتقاي منزلت خانوادگي و اجتماعي آنان شود . همچنين، اگر مهاجرت دوره‌اي باشد (يعني طولاني نباشد)، احتمال بيشتري وجود دارد كه موجب تأثيرات مثبت، از طريق ارتقاي توانايي فرد مهاجر و آثار تضر يبي آن در خانواده و اجتماع مبدأ شود. وجوهي كه مهاجران به كشور مبدأ ارسال مي دارند يا به هنگام بازگشت همراه خود مي آورند نيز مي تواند بنيان مالي خانوار را متحول سازد. متأسفانه، تعيين دقيق حجم وجوه ارسالي در سطح ملي و بين المللي دشوار است، زيرا بسياري از انتقالات از طرق غيررسمي (خويشاوندان يا بازگشت مهاجر) انجام مي شوند. تخمين‌هاي موجود حاكي از بالا بودن حجم اين انتقالات در سطح بين‌المللي است. اما، همان‌گونه كه قبلاً گفته شد، مهاجران معمولاً از خانواده هايي هستند كه وضع مالي نسبتاً خوبي دارند . پول‌هاي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ارسالي مهاجران را نيز هم ين خانواده ها دريافت مي‌كنند. در نتيجه، ممكن است ارسال وجوه موجب افزايش نابرابري و گسترش فقر نسبي در جامعه شود. همچنين پول هاي ارسالي در بسياري از موارد، به جاي جذب شدن در فعاليت هاي توليدي، جهت خريد كالاهاي مصرفي هزينه مي‌شوند (كه خود مي‌تواند باعث افزايش واردات كالاهاي مصرفي و ايجاد وابستگي شود). افزون بر اين، تخمين زده مي شود در سطح بين‌المللي، وجوه ارسالي، درصد قابل ملاحظه اي از ارزش خود را در اثر انتقال از مجاري گران غيررسمي از دست مي‌دهند. (همان منابع و Russell, 1992)

هدف اصلي اين مقاله بررس ي پديدة مهاجرت در ايران، هم به عنوان كشور مقصد و هم به عنوان كشور مبدأ، از منظر مسأل ة فقر است. اين بررسي اقداميِ مقدماتي در گرد آوري اطلاعات موجود درباب جنبه هاي مختلف پيوند مهاجرت ن يروي كار و فقر در ايران است. اگرچه به دست دادن تحل يلي عميق در باب ا ين موضوع اطلاعات بس يار گسترده تري را مي‌طلبد، مع هذا ام يد مي‌رود كه از طر يق غور در داده هاي موجود، ساختار كلي مهاجرت ن‌يروي كار در ايران شناسايي شود، در مورد تأث ير آن بر فقر گمانه‌زني‌هايي انجام گيرد، چالش‌هاي موجود برجسته شوند و مجموعه اي از پ يشنهادهاي مقدماتي ارائه گردد. مقاله به چهار ب خش اصل ي و تعدادي بخش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

فرعي تقسيم شده است. پس از اين مقدمه، در دو بخش اصلي، راجع به مهاجرت به داخل و خارج كشور بحث مي‌شود. قسمت‌هاي فرعي اين بخش‌ها شامل تبيين و توضيح آمارهاي اقتصادي ـ اجتماعي موجود، تخمين مي‌زان انتقال ارز و سرمايه، بررسي برنامه‌ها و سياست‌هاي دولت و نتيجه‌گيري از منظر فقر هستند. بخش آخر اين مقاله به جمع بندي و ارائة مجموعه‌اي از پيشنهادها اختصاص دارد.

1) نيروي كار مهاجر در ايران

مهاجران اسكان يافته در ايران را مي‌توان به دو گروه تقسيم كرد. گروه نخست را پناهجويان* تشكيل مي‌دهند. ايران طي دو دهة گذشته يكي از مقصدهاي اصلي پناهجويان ـ عمدتاً از افغانستان و عراق ـ بوده است. بين سال‌هاي 1372 و1382، ايران ميزبان نخستين يا دومين شمار بزرگ پناهندگان در جهان محسوب مي‌شده است. تعداد پناهندگان مقيم ايران به سبب وقايع سياسي و برنامه هاي بازگشت پناهندگان پيوسته در حال تغيير است. تخمين زده مي‌شود به دنبال سقوط دولت طالبان در افغانستان، حدود 2/5 ميليون پناهندة افغاني به وطن خود بازگردانده شده‌اند، كه درصد قابل توجهي از آن‌ها ساكن ايران

* در اين مقاله، واژه‌هاي پناهجو و پناهنده با تساهل تقريباً معادل با هم به كار رفته‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بوده‌اند. به عنوان مثال، طبق گزارش دولت ايران، 308000 پناهنده تنها در سال 1381 (2002) به كشورشان بازگردانده شدند (UNHCR, 2004a). دومين گروه نيروي كار مهاجر مقيم ايران را باز مي‌توان به دو دسته تقسيم كرد. دستة اول شامل مهاجراني است كه به عنوان نيروي كار ماهر به ايران آمده‌اند و بررسي شان از حوصلة اين مقاله خارج است. دستة دوم متشكل از نيروي كار غيرپناهنده اما غيرمتعارف است، كه اغلب كارهاي سطح پايين را به خود اختصاص داده‌اند.

1-1) پناهجويان در ايران

جدول شماره 1 بر اساس آمار منتشر شدة كميساريای عالي پناهندگان سازمان ملل متحد در مورد جمعيت پناهندگان رسمي در ايران تنظيم شده است. لازم به ذكر است كه در گذشته آمار دولت ايران در باب جمعيت پناهندگان بيشتر از آمار مندرج در جدول بوده است. به عنوان مثال، در سال1381 (2002) دولت ايران فقط براي مهاجران افغاني رقمي بيش از 2 ميليون نفر (بنگريد به جداول بعدي) را اعلام كرده است، در صورت ي كه كميساريای عالي پناهندگان سازمان ملل متحد براي كل تعداد پناهندگان در ايران رقمي حدود 1/3ميليون نفر را گزارش كرده است. احتمالاً تفاوتها ناشي از روش تخمين و تعداد زياد مهاجرانِ ثبت نشده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

جدول 1: جمعیت پناهندگان در ایران از 1996 تا 2003 میلادی (بر حسب هزار نفر)

سال	1996	1997	1998	1999	2000	2001	2002	2003
کل	2030/4	1982/30	1931/3	1835/7	1868	1868	1306	984/9
از عراق	579/2	570/8	530/6	510	386	386	201/7	-
از افغانستان	1414/7	1411/9	1400/7	1325/7	1482	1482	1104/9	-

مأخذ: آمار سال‌های 1996 تا 2002 از: UNHCR, *Statistical Yearbook 2002*, 2004؛ آمار سال 2003 از: UNHCR, "2003 Global Refugee Trends," 2004.

در ادامهٔ این قسمت، در باب دو مجموعه اطلاعات بحث می‌شود تا توصیف معقولی از وضعیت پناهندگان در ایران به دست آید. یک مجموعه شامل اطلاعاتی راجع به جمعیت پناهندگان پیش از اجرای برنامه‌های بازگشت افغان‌هاست. منبع این مجموعه ادارهٔ امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور است، که در حال حاضر فقط اطلاعات مربوط به پناهندگان افغان از آن موجود است. مجموعهٔ دیگر را دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (1383الف؛ 1383ب) در ایران تهیه کرده است که از پیمایش اجرا شده در سال 1382 موسوم به طرح آمایش و پایگاه داده‌های بازگشت پناهندگان ــ به نوبهٔ خود بر اساس اطلاعات دولت ــ گرفته شده است. طبق اطلاعات منبع اخیر، شمار افغان‌های باقی‌مانده در ایران 983143 نفر است. این رقم تخمینی معادل آماری است که توسط ادارهٔ امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور براساس ثبت سال 1380 به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ملل متحد داده شده است، منها ي 94500 بازگشت‌هاي خودانگيخته و همچن ين تعداد پناهندگان ي كه به كمك كم يساري‌اي عالي پناهندگان سازمان ملل متحد (تا 2 آذرماه 1383) به كشورشان بازگردانده شده‌اند. متأسفانه، جمع هاي كل ارقام در جداول مختلف به دست آمده برابر ن‌يستند ـ احتمالاً بدين علت كه هر طبقه از اطلاعات دارا ي منبعي متفاوت است و يا به نحو متفاوت ي برآورد شده است. به علاوه، ه يچ كدام از دو مجموعه ارتبا ط م يان داده‌هاي جداول مختلف را ممكن نم‌يسازد.

طبق آمار ادارة امور اتباع و مهاجرين خارجي (1383) وزارت كشور، پيش از اجراي برنامة بازگشت پناهندگان افغان از ايران (اما پس از سقوط رژيم طالبان)، تعداد پناهندگان مرد افغاني (1446300) بيش از 1/5 برابر پناهندگان زن افغاني (902747) در ايران بوده است. اين تركيب نشان مي دهد كه درصد بالايي از پناهندگان مرد افغان بدون خانواده‌شان در ايران ساكن بوده اند. پس به احتمال قوي مقدار قابل ملاحظه اي از درآمدشان را جهت حمايت از خانوده به افغانستان مي‌فرستاده‌اند. ليكن آمار جديدتر، تهيه شده توسط دفتر كميساريا‌ي عالي پناهندگان سازمان ملل متحد در ايران، از شمار پناهندگان در آبان سال 1383، تعادل نسبي جنسيت، 569666 مرد در مقابل 439686

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

زن، را نشان می دهد (کمیساریای عالی پناهندگان، 1383الف).* البته بعد خانوار افغان‌های مقیم ایران طبق اطلاعات دفتر کمیساریای عالی پناهندگان در ایران (همان منبع) به طور متوسط 3 نفر یعنی بسیار کوچک است، که آن را می توان تا حدی مؤید آمار نخست دانست. همچنین، تعداد مردان پناهندهٔ عراقی (54663) حدود 20 درصد بیشتر از تعداد زنان پناهندهٔ عراقی (42258) است (کمیساریای عالی پناهندگان، 1383ب).** پس می‌توان در مورد عراقی ها نیز نتیجه‌ای تقریباً مشابه افغان‌ها گرفت.

طبق برآوردهای ادارهٔ امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور، بیش از 60 درصد (864167 نفر از تعداد کل 2349.68) پناهندگان افغانی ساکن ایران در سال 1381 هیچ نوع مدرک رسمی نداشته‌اند. اگرچه این امر مانع از فعالیت اقتصادی آن ها نمی‌شود، اما بالقوه نشانگر

* حدود 76000 افغان به طور خودانگیخته بین دی‌ماه 1382 و آبان‌ماه 1383 به کشورشان بازگشته اند که اطلاعاتی در موردشان موجود نیست. این تعداد از میزان کل به علت فقدان داده‌های تفکیک شده کاسته نشده است. همچنین، در بسیاری موارد پایگاه داده ها فاقد اطلاعات تفکیک شده جهت همهٔ جامعه یا فاقد برخی داده‌هاست.

** داده‌های ارائه شده جهت توافق با جمع کل که از سوی کمیساریا تعیین شده است، توسط خود کمیساریا استخراج گردیده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

حرفه‌هاي سطح پايين آن‌ها در بازار غيررسمي است.

جدول شماره 2 اطلاعاتي راجع به ميزان تحصيلات پناهندگان افغاني، پيش از اجراي برنامة بازگشت، در اختيار قرار مي‌دهد. داده‌ها نمايانگر اين موضوع هستند كه در سال 1381 بيش از نيمي از پناهندگان افغان ساكن ايران بي‌سواد بوده‌اند. جدول همچنين نشان مي‌دهد كه تعداد نسبتاً كمي از پناهندگان افغان نيز داراي ديپلم دبيرستان يا درجات دانشگاهي بوده‌اند. جدول شماره 3 نيز همين روند را در پناهندگان افغان بازگردانده شده و باقي‌مانده نشان مي‌دهد. همچنين از جداول شماره 2 و 3 مي‌توان نتيجه گرفت كه به رغم فرصت‌هاي جديد به وجود آمده پس از سقوط دولت طالبان در افغانستان، بخش بسيار بزرگي از افغان‌هاي تحصيل‌كرده تمايلي به بازگشت به وطن نشان نداده‌اند. اما متأسفانه معلوم نيست كه آيا كارهايي كه افغان‌هاي تحصيل‌كرده به آن مشغولند با مهارت‌هايشان جور است يا خير. در مجموع، نقش افغان‌هاي تحصيل‌كرده ـ ساكن يا بازگردانده شده ـ نه در نظام اقتصادي ايران مشخص است و نه در اقتصاد افغانستان. قابل توجه است كه درصد افغان‌هاي باسواد در افغانستان خيلي كمتر از ايران است. منشأ اين تفاوت مي‌تواند در دو چيز باشد. اول اينكه، افغان‌هاي مهاجر به ايران به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

احتمال قوي نسبت به ديگر افراد جامعة افغانستان تحصيلات بالاتري داشته اند. دوم اينكه، براي پناهندگان افغاني در ايران فرصت هاي تحصيلي جديدي به وجود آمده است. نكتة آخر زماني براي افغانستان داراي اهميت بيشتري مي شود كه اين جمعيت پناهنده به وطن بازگردند (كه به نظر مي‌آيد هنوز كاملاً امكان پذير نشده است). همچنين، حتي پناهندگان افغان بي سواد در ايران هم به احتمال زياد مهارت هاي جديدي كسب كرده اند كه مي‌تواند بالقوه تأثير بسزايي بر جامعة افغانستان داشته باشد.

جدول 2: تعداد پناهندگان افغاني برحسب تحصيلات در سال 1381

ميزان تحصيلات	تعداد
بي‌سواد	440923
سواد خواندن و نوشتن	157076
دبستان (ابتدايي)	117876
راهنمايي	50709
دبيرستان	30720
ليسانس	3366
فوق ديپلم	2461
غيره	2132
حوزوي	1443
دانشجو	776
فوق ليسانس	649
دكترا	151

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

فوق تخصص	16
كل	808298

مأخذ: پايگاه اينترنتي ادارة امور اتباع و مهاجرين خارجي وزارت كشور (در 83/10/10)

جدول 3: تعداد افغان‌ها بر حسب تحصيلات (مقيم ايران و بازگردانده شده)

مورخ ديماه 1382		**بين ديماه 1382 و آبان‌ماه 1383**	
تحصيلات	تعداد	تحصيلات	تعداد
بي‌سواد	327342	بي‌سواد	242192
سواد خواندن و نوشتن	123481	سواد خواندن و نوشتن	23116
ابتدايي	88575	اتمام دروة ابتدايي	19947
راهنمايي	35588	در حال گذراندن دورة ابتدايي	52446
دبيرستان	18815	داراي تحصيلات حوزوي	223
دانشگاه	1369	در حال گذراندن دوره‌هاي حوزوي	1241
داراي مدرک ليسانس	1749	اتمام دبيرستان	7807
داراي مدرک فوق ليسانس	318	در حال گذراندن دورة دبيرستان	318
داراي مدرک دکترا	68	داراي مدرک دانشگاهي	1349
فوق دکترا / تخصص	19	در حال گذراندن دوره‌هاي دانشگاهي	501
دانشجو	506	اتمام دوره‌هاي آموزشي فني و حرفه‌اي	79
مطالعات حوزوي	1573	در حال گذراندن دوره‌هاي آموزشي فني و حرفه‌اي	89
جمع	599403	غيره	73
		جمع	368962

مأخذ: براساس جدول ارائه شده توسط كميساريای عالي پناهندگان سازمان ملل متحد از پايگاه داده هاي آمايش و بازگشت پناهندگان.

- حدود 76000 افغان به طور خود انگيخته بين ديماه 1382 و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

آبانماه 1383 به كشورشان بازگشته اند كه اطلاعاتي در موردشان موجود نيست. اين تعداد به علت فقدان داده هاي تفكيك شده، از ميزان كل كاسته نشده است
- اطلاعات تفكيك شده جهت بقية جامعه موجود نيست.
- بانك اطلاعاتي پيمايش فاقد برخي داده‌ها است.

طبق آمار ادارة امور اتباع و مهاجرين خارجي (1383)، در سال 1381، يعني پيش از اجراي طرح بازگشت افغان‌ها، تعداد متولدين سال هاي 1320 تا 1365 برابر 1266109 نفر از تعداد كل 2349068 بوده است. پس مي‌توان نتيجه گرفت كه در آن سال، حدود 54 درصد پناهندگان افغاني مي توانستند در زمرة نيروي كار فعال قرار گيرند. رقم معادلي كه بر اساس اطلاعات آذرماه 1383 كميساريای عالي پناهندگان (1383الف) به دست مي آيد حدود 66 درصد (66881 نفر بين سنين 13 و 63 از تعداد كل 1012311) است. شمار پناهندگان عراقي، بين سنين 13 تا 63 سال در ايران، 66370 نفر يعني حدود 68 درصد رقم كل 96921 نفر در دي ماه 1382 ذكر شده است. (كميساريای عالي پناهندگان، 1383ب)

جداول شماره 4 تا 6 مربوط به طبقات شغلي افغان‌هاي ساكن ايران و پناه ندگاني است كه به تازگي به كشورشان بازگشته اند. متأسفانه، در داده‌هاي اين جدول‌ها چند مشكل عمده وجود دارد كه قابليت استفاده از آن‌ها را به منظور محاسبة اثرگذاري پناهندگان بر اقتصاد ايران، امكان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اثرگذاري پناهندگان بر اقتصاد افغانستان و مرتبط ساختنشان با فقر كم مي‌كند. اول اين‌كه، طبقات از يک جدول به جدول د يگر متفاوت هستند؛ ديگر ا ين‌كه، تمام شغل هاي جمعيت افغان را دربرنم‌يگيرد؛ سوم اين‌كه، اين طبقات كاملاً تعريف شده نيستند؛ و چهارم اين‌كه واضح ني‌ست اين طبقات بر مبناي شغل اظهار شده توسط پاسخ گو تنظ يم شده اند يا بر اساس حرفه اي كه پاسخ گو در آن مهارت دارد. به علاوه، اطلاعات قيد شده در جدول شماره 6 بر اساس داده هاي بيش از 170 طبقه توسط نگارندگان خلاصه شده است (كه عواقب واضح خود را دارد). متأسفانه، براي پناهندگان عراقي هيچگونه دادة مشابه‌ي موجود ني‌ست. تنها اطلاعات موجود اين است كه در 10-15 سال گذشته 200 تا 300 پناهندة عراقي به‌عنوان جنگلبان و نگهبان در بخش دولت ي استخدام شده اند.*

آنچه از جداول ارائه شده استنباط مي‌شود اين است كه اكثر يت قاطع افغان‌ها در زمرة نيروي كارغيرماهر هستند و بس ياري در بخش ساخت وساز فعالند؛ يعني شغل آن‌ها با دستاوردها ي تحصيلي آن‌ها كه قبلاً بيان شد جور در نمي‌آيد. البته تعداد ن يروي كار

* براساس مصاحبه با مدير كل ا شتغال اتباع خارجي، وزارت كار و امور اجتماعي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

جدول 4: افغان‌هاي ساكن ايران برحسب تيپ شغلي در سال 1381

تيپ شغلي	تعداد	درصد
كارگر ساده	398010	68/22
غيره	51592	8/84
نگهبان حيوانات/ چوپان/ كشاورز	32896	5/63
بنا (گچ كار)	13232	2/27
خياط	11660	2/00
ساختمان‌ساز	9284	1/59
بيكار	7127	1/22
نگهبان	7090	1/22
كفاش	6983	1/20
مقني	5634	0/97
شبگرد	4638	0/79
جوشكار	4485	0/77
كارگر كوره آجرپزي	4256	0/73
كارگر جاده‌سازي	3914	0/67
مغازه‌دار	3697	0/63
سنگكار	3632	0/62
نجار	2982	0/51
راننده	1887	0/32
سرايدار	1814	0/31
دستفروش	1500	0/26
بناي ماهر	1494	0/26
بناي آجركش	1448	0/25
كارگر بقالي	1405	0/24
دانش‌آموز	1381	0/24
مكانيك خودرو	1380	0/24
كل	583421	100/00

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مأخذ: پايگاه اينترنتي ادارة امور اتباع و مهاجرين خارجي وزارت كشور (در 83/10/10) با برخي طبقات ادغام شده.

نيمه‌ماهر و ماهر افغان ي نيز اصلاً كم ن يست. همچنين، تعداد نه چندان كمي از افغان‌ها در رده‌هاي بالاتر شغلي يافت مي‌شوند. در كل، براي به دست دادن تصوير درستي از فقر ميان افغان هاي ساكن ايران، مهم است اطلاعات بيشتري راجع به نقش ايشان در بخش هاي مختلف نظام اقتصادي كشور و ويژگي‌هاي اقتصادي ـ اجتماعي آنان جمع‌آوري شود.

جدول 5: افغان‌هاي بازگردانده شده بر حسب تيپ شغلي (بين دي‌ماه 1382 و آبان‌ماه 1383)

شغل	تعداد	درصد
ذكر نشده يا موضوعيت نداشته است	193412	52/42
خدمتكار خانه بدون مزد	65995	17/89
كارگر غيرماهر	37674	10/21
كارگر بخش ساختمان (عمومي)	20430	5/54
كسب و كار (غير از مواد خوراكي)	12806	3/47
كارگر زراعي	9792	2/65
غيره	8667	2/35
كشاورز	4193	1/14
بنا	2411	0/65
قاليباف	1764	0/48
كسب و كار (مواد خوراكي)	1385	0/38
راننده	1364	0/37
خدمات اداري (دولتي)	1230	0/33
مكانيک /مهندسي	1061	0/29
امنيتي / نظامي	982	0/27
آموزش	833	0/23
خدمتكار خانه با مزد	801	0/22

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ادامه جدول 5

نجار	796	0/22
صنايع دستي	621	0/17
چوپان	430	0/12
امور ديني	382	0/10
امنيتي/ غيرنظامي	343	0/09
برق/ مهندسي	306	0/08
كشاورزي (عمومي)	245	0/07
صاحب كسب و كار	209	0/06
امور اداري (غيردولتي)	205	0/06
صاحب مغازه	191	0/05
پرستار	82	0/02
لوله‌كش	77	0/02
غيره، پزشكي	73	0/02
كامپيوتر/ مهندسي	59	0/02
مهندس عمران	50	0/01
پيراپزشك	41	0/01
پزشك	37	0/01
امور حقوقي	15	0/01
جمع	368962	100/00

مأخذ: براساس جدول ارائه شده توسط كميساريای عالي پناهندگان سازمان ملل متحد از پايگاه داده های آمايش و بازگشت پناهندگان. (در 83/9/11)

- حدود 76000 افغان به طور خودانگيخته بين دي ماه 1382 و آبان‌ماه 1383 به كشورشان بازگشته‌اند كه اطلاعاتي در موردشان موجود نيست. اين تعداد به علت فقدان دادهاي تفكيک شده، از ميزان كل كاسته نشده است

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

- اطلاعات تفکیک شده جهت بقیة جامعه موجود نیست.
- بانک اطلاعاتي پیمایش فاقد برخي داده هاست.

جدول 6: پناهندگان افغان بر حسب تیپ شغلي (83/9/11)

تیپ شغلي	تعداد	درصد
کارگر ساده	210739	63/22
کارگر ماهر	33793	10/14
کارگر نگهداري مزرعه/حیوان	21505	6/45
کارگر نیمه‌ماهر	19154	5/75
کارگر متفرقه	14120	4/24
صاحب تولیدي/خرده‌فروشي کوچک	9591	2/88
کارگر ساختمان	8894	2/67
بیکار	5622	1/69
دانش‌آموز	4183	1/25
صاحب تولیدي/خرده‌فروشي متوسط	3086	0/93
بازنشسته	935	0/28
روحاني	626	0/19
شاغل در کارهاي دفتري	371	0/11
معلم	342	0/10
صاحب تولیدي / خرده‌فروشي بزرگ	256	0/08
متخصص	131	0/04
کل	333348	100/00

مأخذ: براساس جدول ارائه شده ت وسط کمیساریاي عالي پناهندگان سازمان ملل متحد از پایگاه داده هاي آمایش و بازگشت پناهندگان.

- حدود 76000 افغان به طور خودانگیخته بین دیماه 1382 و آبانماه 1383 به کشورشان بازگشته‌اند که اطلاعاتي در موردشان موجود نیست. این تعداد به علت فقدان داده‌هاي تفکیک شده، از میزان کل کاسته نشده است
- اطلاعات تفکیک شده جهت بقیة جامعه موجود نیست.
- بانک اطلاعاتي پیمایش فاقد برخي داده هاست.

2-1) مهاجران غیرپناهندة غیرمتعارف

حدود 80000 نفر نیروي کار غیرمتعارف دیگر (به استثناي پناهندگان افغان بدون اجازة کار) هم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

وجود دارند که عمدتاً از عراق (آن‌هایی که پناهنده نیستند)، پاکستان و بنگلادش به ایران آمده‌اند. برآورد می‌شود که حدود 12000 نفر بنگلادشی بدون مجوز در ایران کار می‌کنند که در تولید کفش و محصولات چرمی و شاید همانند افغان‌ها در مرغداری‌ها و کوره‌های آجرپزی به کار گماشته شده باشند. متأسفانه، به غیر از اطلاعات فوق، دادهٔ دیگری در مورد مهاجران غیرپناهنده اما غیرمتعارف در ایران به دست نیامده است.*

2) ارسال ارز از ایران توسط نیروی کار مهاجر

همان‌طور که ذکر شد، بُعد خانوارهای افغانی در ایران بسیار کوچک است. این نشان می‌دهد که تعداد زیادی از افغان‌ها تنها زندگی می‌کنند که احتمالاً به ایران آمده‌اند تا کار کنند و درآمدشان را برای خانواده‌هایشان در افغانستان بفرستند. همچنین، در میان افغان‌ها و عراقی‌های مقیم ایران تعداد زنان کمتر از مردهاست. این امر باز به نوبهٔ خود نشان می‌دهد که به احتمال قوی میزان قابل توجهی ارز از ایران به کشورهای مبدأ مهاجران ارسال می‌شود. متأسفانه، آمار دقیقی در مورد میزان وجوه ارسالی وجود ندارد. به عقیدهٔ

* براساس مصاحبه با مدیر کل اشتغال اتباع خارجی، وزارت کار و امور اجتماعی.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مسئولين بانک مرکزي ايران، ميزان خروج ارز توسط نيروهاي کار خارجي در ايران حدود 300 ميليون دلار است.** نيروهاي کار افغاني و عراقي (و در ابعاد کوچکتر ن يروي کار مهاجر از پاکستان، بنگلادش، ترکمنستان، تاجيکستان و جمهوري آذربايجان) اغلب از بازار س ياه ارز خارج ي ميخرند و به کشورها يشان ميفرستند. مثلاً، کل پولهاي انتقال داده شده به افغانستان از طر يق سيستم حواله دارها، يعني سيستم صراف يهاي غيررسمي، است (Munzele Maimbo, 2003). بدين ترتيب، به دست دادن برآوردي دقيق از ميزان ارز ارسالي به افغانستان از ا يران تقريباً غيرممکن است. در مورد اتباع ديگر کشورها نيز همين مسأله مشکلساز است. اگر فرض کنيم 1 ميليون نيروي کار عراقي و افغاني در ايران وجود داشته باشد و هر نفر سالانه 200 تا 600 دلار آمريکا ارز به کشور متبوعش بازگرداند، به رقم 200 تا 600 ميليون دلار به عنوان کل سرما ية خروجي ناشي از ن يروهاي کار افغان و عراق ي مي رسيم، که ب يشباهت به رقم تخميني بانک مرکزي نيست.

3) سياستهاي دولت ايران در قبال مهاجران اسکان

** بر اساس اطلاعات غيررسمي کسب شده از مسئولان بانک مرکزي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

يافته در كشور

طبق ماده 180 قانون برنامة سوم، شوراي عالي هماهنگي اجرايي اتباع بيگانه مسئول سياست گذاري در باب مهاجران اسكان يافته در كشور است (سازمان مديريت و برنامه ريزي، 1379). به نظر مي‌رسد در حال حاضر برنامه و س ي است اصلي دولت ايران در قبال مهاجران خارجي به كشور (حداقل در مورد اتباع افغانستان) بازگرداندنشان است. در راستاي اين سي است، همان‌طور كه در جداول قسمت‌هاي پي‌شي‌ن نشان داده شد، تعداد قابل ملاحظه اي از مهاجران افغان تاكنون به كشورشان بازگردانده شده‌اند. اما، با توجه به مشكلات ا فغانستان و خو گرفتن برخي بخش‌هاي اقتصاد ايران به ن يروي كار ارزان قيمت افغان، بعيد نيست كه اين عده دوباره به ايران باز گردند (اگركه تا كنون باز نگشته باشند). متأسفانه، گاه‌ي شنيده مي‌شود تعدادي از اتباع افغان به طور غيرداوطلبانه بازگردانده شده‌اند، كه به احتمال قوي هم بي ثمر است و هم موجب كم ارزش شدن خدمات انساني كشور ايران در زمينة مساعدت به خيل پناهندگان و مهاجران.

4) نتيجه‌گيري از وضع مهاجران در ايران

اطلاعات ذكر شده در اين بخش اگر چه تصوي ر دقيقي از وضعيت اقتصادي ـ اجتماعي مهاجران در كشور به دست نم ي‌دهد، اما كم و ب ي‌ش نتيجه‌گيري كلي‌اي را

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

در باب ارتباط مهاجرت به ا يران و فقر ممكن مي‌سازد. طي سال‌هاي گذشته، جمعيت قابل توجه ي از مهاجران (از افغانستان و عراق به عنوان پناهنده و نيز از برخي ديگر نقاط به دنبال شغل) به دلايل اقتصادي، امنيتي و اجتماع ي ايران را به عنو ان كشور مقصد خود برگز يده اند. اطلاعات محدود ي كه دردست است نشان مي‌دهد در م يان اين گروه تعداد مردان ب يش از شمار زنان و بعد خانوار بسيار كوچك بوده است. همچنين، جمعيت فعال در م يان آنان از درصد بسيار بالايي برخوردار بوده است كه خود نشانگر استعداد بالقوه در زم ينة اشتغال و درآمد است. اكثريت قر يب به اتفاق مهاجران (حداقل ميان افغان ها كه اطلاعاتي در موردشان موجود است) بي‌سواد يا دارا ي حداقل تحص يلات بوده اند. در ع ين حال، در م يان ا ين مهاجران افرادي با تحصيلات بالا نيز مشاهده مي شود. بررسي طبقات شغلي مهاجران (از افغان‌ستان) نشان مي‌دهد اكثر افراد اين گروه در كارهاي يدي و به احتمال قوي با دستمزدهاي نسبتا پايين مشغول بوده اند. افزون بر اين، دقيقاً معلوم نيست آيا آن دسته از مهاجراني كه داراي تحصيلات عالي بوده اند موفق به احراز مشاغل با درآمد بالا شده اند يا خير. در كل مي‌توان حدس زد كه هر چند مهاجران (افغان) به احتمال قوي امكان دست و پا كردن شغلي را در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بازار کار ایران داشته اند، اما بر اساس پایهٔ تحصیلات و مهارت هایشان و نیز امکانات و محدودیت‌های جامعهٔ ایران درآمد و سرمایهٔ قابل توجهی عایدشان نشده است. به علاوه، با توجه به این‌که بسیاری از آن‌ها مجبور به ارسال پول به کشورشان بوده اند (نظر به بعد خانوار ثبت شده در ایران، ساختار سنی و میزان ارز فرستاده شده)، وجوه دریافتی‌شان امکان رهایی از فقر را به آن‌ها نداده است. هرچند آماری راجع به توزیع جمعیتی (به غیر از تفکیک استانی که در این مقاله ذکر نشده است) در دست نیست، اما مشاهدهٔ بسیاری از شهرهای ایران حاکی از تجمع خیل مهاجران فقیر (به ویژه از افغانستان و نیز از عراق) در محله‌های نابسامان و فرودست است. همان‌طور که ذکر شد، هدف اصلی دولت ایران (به ویژه در مورد اتباع افغانستان) بازگرداندن مهاجران به کشورشان است. اما، با در نظر گرفتن شرایط موجود در کشورهای مبدأ مهاجران و همچنین نیاز برخی بخش‌های اقتصاد ایران به نیروی کار مهاجر، بعید به نظر می‌رسد تمهیدات دولت با همکاری سازمان‌های بین‌المللی از جمعیت مهاجران ساکن مناطق فرودست و فقیر به میزان قابل ملاحظه‌ای بکاهد. متأسفانه، تمرکز گزاف بر امر بازگرداندن مهاجران موجب بی‌توجهی به وضعیت خیل فقیران مهاجر موجود در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

شهرهاي ايران شده است.

5) مهاجرت ايرانيان به خارج از كشور

آمار دقيقي از تعداد ايرانيان مقيم در كشورهاي خارجي موجود نيست (هرچند كه در قسمت بعدي سعي ميشود اطلاعات جسته گريختة موجود در هر صورت ارائه گردد). دامنة تخمينهاي غير رسمي از 3 تا 7 ميليون نفر است. در پس مهاجرت به خارج اين خيل عظيم ايراني در ربع قرن گذشته دلايل قابل ملاحظة اقتصادي، اجتماعي و سياسي وجود دارد. جوامع ايراني متعددي با تواناييهاي بسيار بالا در اروپا و آمريكاي شمالي زندگي ميكنند. در عين حال، تعداد قابل ملاحظه اي از نيروهاي كار ايراني غيرماهر و نيمه ماهر طي 10 تا 15 سال گذشته ايران را به قصد يافتن شغل بهتر ـ به خصوص در كشورهاي خليج فارس و ژاپن ـ ترك كرده اند. همچنين، تعداد چشمگيري از ايرانيان از طبقه هاي گوناگون اجتماعي و اقتصادي به عنوان پناهنده و پناهجو ـ بهخصوص در كشورهاي اروپا و آمريكا ـ اقامت گزيده اند. در كل، ايران طي دو دهة گذشته، به جرگة كشورهايي پيوسته است كه بيشترين شمار مهاجران تحصيلكرده، از جمله مدرسين دانشگاهي و متخصصان، را به خارج از كشور گسيل ميدارند. گرچه پديدة فرار مغزها به دهه هاي پيش از انقلاب باز ميگردد، اما آهنگ و گسترة آن پس از انقلاب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ابعاد تازه و نگران كننده‌اي يافته است. اطلاعات جسته گر يخته در روزنامه هاي ايران (حيات‌نو اقتصادي، 1379؛ نوروز، 1380) حاكي از آن است كه در سال هاي اخير درصد كمي از دانشجويان ايراني مشغول به تحصيل در خارج كشور قصد بازگشت به وطن داشته اند؛ يا برخي تحليلگران سرماية در گردش ايرانيان مقيم خارج از كشور را ده ها ميليارد دلار تخمين زده اند؛ و يا ارزش اقتصادي انتقال سرمايه هاي انساني از ايران چندين ميليارد دلار برآورد مي‌شود.

5-1) اشتغال ايرانيان در خارج از كشور

شواهد موجود حاكي از وجود تعداد زيادي ايراني در اروپا است، ولي آمار دقيقي از آن‌ها موجود نيست. شايد رقم واقعي ايرانيان اسكان يافته در كشورهاي اروپايي چيزي بين 200 تا 400 هزار نفر باشد. بسياري از اين ايرانيان در گذشته دانشجو بوده اند، اما ديگر به ايران بازنگشته اند. بخش بزرگي هم متشكل از پناهندگان و پناهجو يان است. در قسمت بعدي راجع به گروه اخير صحبت خواهد شد.

تخمين زده مي‌شود كه حدود 200000 ايراني در كشورهاي عربي خليج فارس اقامت دارند. برآورد تعداد ايرانيانی كه در كويت، امارات متحده عربي و قطر زندگ ي مي كنند به ترت يب 70000، 50000 و 13000 نفر است. در سال هاي اخير دولت ا يران در

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مورد برقراري مجدد ارتباط مهاجران ايراني منطقة خليج فارس با ايران فعاليتهايي انجام داده است. با توجه به سياست اخير كشورهاي عربي خليج فارس براي كاهش وابستگي به نيروهاي كار غيرعرب، بسياري از ساكنين ايراني اين كشورها فشار فزاينده‌اي را در زمينة بازگشت به كشور احساس كرده‌اند. از اين رو، دولت ايران سعي دارد حقوق اين مهاجران را از طريق مذاكره با كشورها ميزبان حفظ كند. ايرانيان براي ورود به كشور ديگر همسايه، تركيه، به روايد نياز ندارند. در نتيجه تعداد دقيق مهاجران به آن كشور معلوم نيست؛ هر چند ميتوان حدس زد كه تركيه براي ايرانيان جاذبة اقتصادي ندارد و اقامت نيروهاي كار ايراني در آن كشور اغلب موقتي است. در عين حال، تركيه يكي از مقصدهاي اولية پناهندگان ايراني است (بنگريد به قسمت مربوط به پناهندگان در اين مقاله).*

نيروي كار قانوني ايراني در ژاپن 35000 نفر و نيروي كار غير متعارف 3200 نفر ذكر شده است (سابقاً بين 60000 تا 70000 نيروي كار ايراني در ژاپن وجود داشت). دولت ايران به منظور تغيير وضعيت گروه دوم به وضعيت قانوني با دولت ژاپن

* براساس مصاحبه با مدير كل اشتغال خارج از كشور، وزارت كار و امور اجتماعي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مذاکره کرده است. تاکنون دولت ژاپن به 1200 نفر از این گروه مدارک لازم را اعطا نموده است . اکنون دولت ایران برای اعزام منظم نیروی کار قراردادی به ژاپن با آن کشور وارد مذاکره شده است. همچنین، دولت ایران مشغول آماده کردن دوره‌های آموزش صنعتی به منظور اعزام نیروی کار ایرانی به ژاپن از طریق سازمان ژاپنی جیتکو است. این نیروهای کار قرارداد طی سال اول آموزش‌شان در ژاپن حقوق خواهند گرفت و در سال‌های دوم و سوم در صنایع ژاپن فعال خواهند شد. حدود 750 نفر از نیروهای قراردادی نیز در کرهٔ جنوبی هستند که با همکاری دولت ایران گسیل شده‌اند. 3200 نفر نیروی کار قانونی دیگر هم بدون کمک به این کشور رفته‌اند. (همان)

حدود 67000 مهاجر ایرانی در استرالیا وجود دارند. در میان این گروه، شمار مهاجرین غیرمتعارف اندک است . طی دو سال گذشته دولت ایران با دولت استرالیا جهت اعزام نیروی کار ایرانی به کشور اخیر دو قرارداد امضا کرده است. سه تیپ مختلف مهاجرین ایرانی برای رفتن به استرالیا در نظر گرفته شده است : کار و تفریح (462) که به قصد بازدید سفر می‌کنند؛ موقت (422) که فقط مختص پزشکان است؛ و گروهی (456) که به منظور کارهای ضروری دیگر می‌روند. (همان)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كانادا يكي از مقصدهاي اصلي مهاجران ايراني در سال هاي اخير بوده است . تنها در سال 1382 حدود 3600 ايراني به كانادا مهاجرت كرده اند. اين گروه ايراني يا صاحب صلاحيت هاي بالايي بوده اند يا سرمايه قابل ملاحظه اي را با خود به ارمغان برده اند. بنا بر آمار وزارت كار كانادا در سال 1381، دولت آن كشور مبلغ 40000000 دلار كانادايي از بابت مهاجرت ايرانيان منتفع شده است. (همان)

در دهه هاي اخير، آمريكا مقصد بيشترين تعداد ايرانيان مهاجر، به ويژه گروه هاي تحصيلكرده يا صاحب سرمايه، بوده است . طبق داده هاي سرشماري اخير آمريكا، در سال 1379 (2000 ميلادي) ايرانيان مقيم آن كشور با جمعيت تقريبي بين 319000 تا 371000 نفر (10 درصد خطا) بخشي از رده هاي بالاي طبقات اجتماعي ـ سياسي را تشكيل داده اند. شاخص‌هاي اين موفقيت كسب پيشرفت‌هاي تحصيلي اين گروه، سطح درآمد و سرمايه هاي آن هاست. درصد ايرانيان در سنين بالاتر از 25 سال كه داراي درجة كارشناسي يا عالي هستند برابر 1/ 60 درصد (در مقابل ميانگين 5/ 27 درصد كل جامع ة آمريكا) است؛ يعني ايرانيان مقيم آمريكا از تحصيل كرده ترين گروه هاي قومي در آن كشور هستند . از اين گذشته، درصد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

ايرانيان با درجة دكترا 5 برابر ميانگين ديگر ساكنان آمريكاست . اين آمار براي هر دو جنسيت صحت دارد . به علاوه، ميانگين درآمد سران ة ايرانيان مقيم آمريكا 50 درصد بيشتر از ميانگين كل جامعة آمريكا ذكر شده است (در مورد خانو ار 38 درصد بيشتر). درصد خانوارهاي ايراني در بازة درآمدي 75000_ 99999 دلار آمريكا 7/ 12درصد (در برابر ميانگين 2/ 10درصدي در كل جامعه)، در بازة 100000 _ 149000 دلار 7/ 13 درصد (در مقايسه با ميانگين 7/7 درصدي كل جامعه)، و در باز ة 150000 _ 199999 دلار 5/6 درصد (در مقايسه با ميانگين 2/2 درصدي كل جامعه) بوده است . درصد ايرانيان با درآمد بيشتر از 200000 دلار آمريكا 3 برابر متوسط كل كشور است . (Mostashari and Khodamhosseini, 2004، براساس Summary File 4, U.S. 2000 (Census *

* منبع ذكر شده حاوي اطلاعات درباره جمعيت در دسترس ايرانيان مقيم آمريكاست . هرچند ممكن است در آن روش هاي كاملاً علمي به كار نرفته باشد، اما به هر حال تا حد زيادي در زمينة مقياس‌ها روشنگري مي‌كند. در هرصورت، تا زماني كه مطالعات بهتري در اين زمينه انجام و منتشر نشو د، كاربرد خود را خواهد داشت . همچنين، آمار ذكر شده در مورد ديگر كشورها به احتمال قوي حتي از اين هم بيشتر بر اساس حدس و گمان است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

2-5) پناهجويان ايراني

طبق آمار كميساريای عالي پنا هندگان (UNHCR, 2004b; UNHCR, 2004c) شمار ايرانيان متقاضي پناهندگي در كشورهاي صنعتي، محاسبه شده ميان سه ماهة آخر سال 2003 تا سه ماهة سوم سال 2004، جمعاً 19240 نفر بوده است. همچنين طي اين دوره رتب ة ايران به عنوان كشور گسيلكنندة پناهندگان از جايگاه 13 به 7 صعود كرده است. در مجموع، طي سال ميلادي 2003، 35831 تقاضاي پناهندگي از سوي اتباع ايراني در كلية كشورها ثبت شده است. علاوه بر اين، جمعيت پناهندگان ايراني تعيين شده برحسب كشور مبدأ در آغاز سال 2003 ميلادي 137948 نفر و در پايان سال 132481 نفر بوده است. كميساريای عالي پناهندگان سازمان ملل متحد 22704 نفر از اين متقاضيان را به شكلي تحت پوشش داشته است . همچنين، گفته ميشود طي سال هاي گذشته ايرانيان يكي از 5 گروه اصلي متقاضي پناهندگي در كشورهاي سازمان همكاري و توسعه اقتصادي بوده اند و حدود 25 درصدشان تحصيلات دانشگاهي داشته اند. (Carrington and Detragiache, 1998; UNHCR, 2005)

6) بازگشت ارز به كشور توسط ايرانيان مقيم خارج

آمار دق يقي از م يزان بازگشت ارز به كشور از منبع مهاجران ا يراني در دست ن يست. به عق يدة

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

مسئولان بانک مرکزي ايران، بازگشت ارز به کشور از ايرانيان مهاجر حدود 1 ميليارد دلار است. البته اين رقم تنها از روي حدس و گمان ارائه شده است. از آن‌جايي که بانک مرکزي نظامي براي تفکيک انواع حوالجات ندارد، محاسبة ميزان پول ارسالي توسط ايرانيان خارج از کشور نيز مقدور نيست. به همين دليل مي‌توان تخمين‌هاي متفاوتي در اين زمينه ارائه داد.

به عنوان نمونه، برخي ميزان بازگشت ارز به کشور را از کشورهاي حاشيه خليج فارس به تنهايي 2 ميليارد دلار آمر يکا برآورد مي‌کنند.* در راستاي اين برآورد، بازگشت ارز به ايران از کشورهاي حاشية خليج فارس منبعي براي تامين سرمايه جهت واردات کالاهاي قاچاق است. اما با توجه به اينکه بسياري از کالاها (مانند بنزين و دارو) نيز از ايران به ديگر کشورها قاچاق مي‌شوند، رقم فوق به احتمال قوي اغراق‌آميز است.

ميزان بازگشت ارز از طريق مهاجران ايراني مقيم کشورهاي اروپا و آمريکاي شمالي به‌رغم توان مالي اين مهاجران به احتمال قوي بسيار کم است. در مورد آمريکا، موانع قانوني در زمينة انتقال ارز به ايران وجود دارد. اما به نظر مي‌آيد دليل

* بر اساس مصاحبه با مديرکل اشتغال خارج از کشور، وزارت کار و امور اجتماعي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اصلي ناچيز بودن اين انتقالات اقامت طولاني ايرانيان (به همراه اعضاي خانوادة هسته‌اي و حتي گسترده) در كشورهاي اروپا و آمريكاي شمالي است. اين گروه دليلي براي ارسال وجوه به ايران ندارند. حتي محتمل است كه مهاجرت ايرانيان به خارج از كشور موجب انتقال سرمايه‌هاي قابل توجهي به خارج از كشور شده باشد. اين امر اصلا دور از تصور نيست. به احتمال قوي منشأ بخشي از سرمايهٔ هنگفت ايرانيان مقيم خارج، از خود ايران است.

در مقام نتيجه‌گيري، مي‌توان ادعا كرد كه سالانه حدود 1 تا 2 ميليارد دلار توسط نيروي كار ايراني مهاجر (چه به صورت ارسال وجوه و چه به صورت جنس قاچاق) به ايران بازگردانده مي‌شود. در عين حال، ممكن است مهاجران به هم ين اندازه ارز از ايران خارج كنند.

7) سياستها و برنامه‌هاي دولت در زمينهٔ مهاجرت نيروي كار ايراني به خارج از كشور

7-1) اعزام نيروي كار ايراني به خارج از كشور

قانون اساسي ايران كلاً بر نقش بخش دولتي در ايجاد كار مناسب براي عامهٔ مردم تاكيد دارد. مادهٔ 53 برنامهٔ سوم بر مديريت اعزام نيروهاي كار از طريق مشاركت دولتي ـ خصوصي تاكيد دارد (سازمان مديريت و برنامه ريزي، 1379). ادارهٔ كل

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

توسعة اشتغال در خارج از كشور در وزارت كار و امور اجتماعي بدين منظور دايرشده است. همچنين سه اداره با نام هاي ادارة مطالعات فني و توانايي‌هاي نيروي كار، ادارة مطالعات بين‌المللي بازار كار و ادارة امور وابستگان كار تحت نظر وزارتخانة كار در زمينه‌هاي مرتبط با اشتغال در خارج از كشور فعال هستند.

مادة 53 برنامة سوم همچنين ناظر بر تشكيل كميته‌اي جهت ايجاد هماهنگي ميان نهادها متشكل از 6 وزير است كه مصوبات آن حكم قانون را دارند (سازمان مديريت و برنامه‌ريزي، 1379). اين كميته با همكاري وزارت امور خارجه نه تنها با اعزام نيروي كار ايراني به خارج سرو كار دارد، بلكه موظف است به مسايل تمام ايرانيان كه در خارج از كشور كار مي‌كنند بپردازد. وابستگان نيروي كار بدين منظور در تعدادي از سفارتخانه هاي ايران به كار گمارده شده اند. مادة 198 قانون كار (ساعتچي، 1379) دربرگيرندة دستورالعمل‌هاي اصلي وابستگان كار است.

جهت اعزام نيروي كار ايراني به خارج از كشور، ساختاري غير متمركز با تكيه بر فعاليت‌هاي بخش خصوصي در نظر گرفته شده است. درعين حال، مراكز خصوصي بين‌المللي كاريابي بايد توسط وزارت كار و امور اجتماعي به ثبت برسند (اين كار از زمستان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

1382 آغاز شده است). وزارت كار و امور اجتماع ي همچنين در شكل گيري صنفي اين دفاتر بين‌المللي مساعدت مي‌كند تا با همتاها يشان در كشورها ي در يافتكنندة نيروي كار بهتر ارتباط برقرار كنند و همچنين از كمك‌هاي فني سازمان بين‌المللي كار(ILO) و سازمان بين‌المللي مهاجرت (IOM) بهره‌مند شوند. اولين انجمن صنف ي مل ي اين دفاتر در اواسط سال 1383 تاسيس شده است. دولت انتظار دارد كه ا ين اتحاديه در مذاكرات دو جانبه نقش داشته باشد. مثلا در ته ية يادداشت‌هاي تفاهم با آلمان، بلژيك و استرال يا، نقش ا ين اتحاد يه ملحوظ شده است. همچنين دولت رد يف بودجه اي جهت ياري به دفاتر بين‌المللي كاريابي در ا يران از طر يق فراهم آوردن نرم افزارها، سخت افزارها و د يگر حما يت‌ها تخصيص داده است.*

ل يكن، عل يرغم تلاش هاي مذكور، ا يران همچن ان فاقد س ياست جامع مل ي براي مهاجرت ن يروي كار است، هر چند كه تمه يداتي در اين زم ينه به عمل آمده است. در بهمن ماه سال 1383 كم يسيون اجتماعي جلسه‌اي مشترک با چند تن از وزرا برگزار كرد. متعاقبا، كم يته‌اي متشكل از نما يندگان وزارت كار و امور اجتماع ي (ادارة كل توسع ه

* بر اساس مصاحبه با مديركل اشتغال خارج از كشور، وزارت كار و امور اجتماعي.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

اشتغال درخارج از کشور)، وزارت امور خارجه و وزارت امور اقتصاد و دارا يي تشكيل شد تا پيشنويس سند س ياست مهاجرت نيروي كار را تهيه كند.

2-7) برنامه‌هاي مربوط به ايرانيان مقيم خارج از كشور

تا چندي پيش، ستاد امور ايرانيان، كه منشاء آن را بايد دفتر متخصص‌ين ايراني واقع در نمايندگي ايران در سازمان ملل متحد دانست، مسئول ا يجاد ارتباط و كمک به بازگشت متخصص ين ايراني مقيم خارج كشور بود . فعاليت‌هاي دفتر امور متخصص ين بيشتر به ايرانيان مقيم آمريكا معطوف بود، هر چند كه در طرح توكتن با همكار ي برنام ة عمران ملل متحد جهت بازگردا ندن متخصص ين ا يراني به منظور بازديدهاي كوتاه كاري نيز نقش داشت . پس از بسط رسالت اين نهاد و انتخاب نام ستاد امور ايرانيان بر آن، پروژه هاي شناسايي ايرانيان در كشورهاي مختلف، تشكيل سم ينارها و ارتباط مجدد برخي از ايرانيان متخصص با موسسات مختلف ايراني مد نظر قرار گرفت. از تمه يدات ستاد مي‌توان به تلاش در جهت تغ يير د يدگاه منفي نسبت به ايران م يان شهروندان ايراني مقيم خارج، ايجاد تسه يلات ويژه براي اخذ مجدد گذرنامه، و اعطا ي معافيت موقت به مشمولان نظام وظ يفة مقيم خارج ا شاره

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كرد.

نظر به اينكه برقراري ارتباط مجدد ايرانيان مقيم خارج به تلاش سازمانيافتهتري نياز دارد، تشكيل شوراي عالي هماهنگي امور ايرانيان خارج از كشور در برنامة دولت قرار گرفته است. اين شورا توسط رئيس جمهور رهبري ميشود و اعضاي اصلي آن شامل وزير اطلاعات، وزير امور خارجه، وزير بازرگاني، وزير كار و امور اجتماعي، وزير فرهنگ و ارشاد اسلامي و رئيس بانك مركزي هستند. همچنين 5 گروه كاري (هركدام به سرپرستي وزير مربوطه) به مسايل مختلف مهاجرين ايراني ميپردازند.

8) نتيجهگيري از وضعيت ايرانيان مهاجر

بررسي آمارهاي جسته گريختة موجود در باب ايرانيان مهاجر به خارج كشور در دهه هاي اخير نشان ميدهد كه بسياري از آنها داراي تحصيلات، مهارتها و سرمايههاي قابل ملاحظهاي بودهاند. اين بدان معني است كه اين مهاجران كمتر به دليل فقر و بيشتر به دلايل سياسي و اجتماعي از كشور خارج شدهاند. در عين حال خروج چنين جمعيت بزرگي از متخصصان و صاحبان سرمايه از ايران بيشك موجب گسترش فقر در كشور شده است. متأسفانه شواهد موجود حاكي از آن است كه روند مهاجرت ايرانيان متخصص و صاحب سرمايه همچنان ادامه دارد (چه بهعنوان پناهنده و چه به صورت مهاجر). گواهي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نیز وجود ندارد که این افراد خیال بازگشت به کشور را در سر می‌پرورانند. افزون بر این، چون این مهاجران اکثراً با خانواده های خود دست به مهاجرت زده اند (یا بعداً خانواده‌های خود را از ایران خارج کرده اند)، وجوه ارسالی‌شان به رغم استعداد نسبتاً بالا بسیار ناچیز است. برعکس شواهد موجود این حدس را تقویت می‌کند که مهاجران سرمایهٔ قابل توجهی را از ایران خارج کرده اند و یا می‌کنند. همان‌طور که اشاره شد، دولت ایران سعی در ایجاد ارتباط مجدد میان این ایرانیان و کشور دارد. لیکن شواهد موجود حاکی از موفقیت چندانی نیستند.

تعداد نه چندان کمی از ایرانیان نیز به دلیل احساس فقر نسبی برای یافتن شغل بهتر یا درآمد بالاتر راهی کشورهای دیگر شده اند (با اخذ اجازهٔ کار، به صورت پناهنده و یا به طور غیرقانونی). محتمل است که خیل قابل ملاحظه‌ای از این گروه در شرایط مساعدی به سر نمی‌برند (حداقل این‌که در میان فقرای کشورهای میزبان قرار می‌گیرند). همچنین دقیقاً معلوم نیست که اقامت این گروه در خارج از کشور موجب ارتقای توانایی‌هایشان می‌شود یا خیر، که شاید در بازگشت به کشور موجب کاهش میزان فقر در خانواده شان شوند. البته شاهدی هم وجود ندارد که این عده مایل به بازگشت به کشور

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

باشند. افزون بر اين، به دليل فقدان سازوكار مناسب انتقال وجوه ، معلوم نيست اين گروه چه ميزان ارز به كشور ارسال ميدارد. مهمتر از اين، سازوكار نامناسب احتمالاً موجب از دست رفتن درصد قابل ملاحظهاي از وجوه ارسالي ميشود. همچنين، با توجه به شواهد جسته گريخته موجود، مقدار قابل ملاحظهاي از سرمايه هاي ارسالي به صورت كالاي قاچاق وارد كشور ميشود، كه خود تنها موجب گسترش وابستگي و صدمه زدن به صنايع داخلي مي شود و نه كاهش فقر.

9) نتيجهگيري و پيشنهاد

9-1) مهاجران اسكان يافته در ايران

در طي مقاله ذكر شد كه در مورد مهاجران اسكان يافته (به ويژه افغانها و عراقيها) در ايران، منشأ مهاجرت فقر نسبي و مطلق بوده است (براساس شرايط كشورهاي همسايه). ليكن، هرچند كه جابهجايي اين مهاجران موجب رهايي آنها از مصايب جنگ و بيخانماني شده است، اما اين خيل انبوه اكنون در ميان سطوح فرودست و فقير جامعة ايران قرار گرفته است. البته از يك سو وجوهي كه اين گروه به كشور خود ارسال ميدارد موجب بهبود نسبي وضع خانوادههاي دريافتكننده ميشود، ولي از سوي ديگر فقدان اين گروه باعث ميشود شرايط كاهش فقر

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

در مولدشان پدید نیایند. تحصیلات بسیار بالاتر افغان‌ها در ایران در مقایسه با هموطنان مقیم کشورشان از یک سو مؤید این نظر است؛ از سوی دیگر، این شاخص ممکن است گواه این امر باشد که برای افغان‌های ساکن ایران فرصت های تحصیلی فراهم‌تر بوده است. در صورت اخیر، مهاجرت این گروه آثار مثبتی برایشان داشته است که در صورت بازگشتشان می‌تواند برای افغانستان مفید واقع شود. در عین حال، هرچند صلاحیت‌های افغان‌های مقیم ایران در مقایسه با متوسط افغانس تان در سطح بالاتری قرار دارد، اما از میانگین ایرانیان بسیار پایین‌تر است؛ که باز این امر، نشانگر فقر نسبی آن‌ها در جامعهٔ میزبان است.

همان‌طور که ذکر شد، هدف اصلی برنامه های دولت ایران بازگرداندن مهاجران خارجی به موطنشان است هرچند دلایل کافی، هم از دیدگاه ایران و هم از منظر افغانستان، در پس این برنامه ها وجود دارد، اما بی‌توجهی به آن‌ها به دلیلِ نیازهای بخش‌هایی از اقتصاد ایران به نیروی کار مهاجر (به ویژه افغان) و آماده نشدن شرایط بازگشت افغان‌ها موجب می‌شود که از یک سو تعداد کثیری از اتباع افغانستان ایران را به هیچ قیمت ترک نکنند و از سوی دیگر در صورت بازگردانده شدن به کشورشان مجدداً به ایران مراجعت کنند. پس می‌توان نتیجه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

گرفت كه سياست هاي دولت ايران در زمينة بازگرداندن مهاجران تنها از طريق برنامه هاي فقرزدايي در كشور كه افغان ها را هم تحت پوشش قرار مي‌دهد تكميل مي گردد. به ويژه، بايد راهي يافت كه برنامه هاي فقرزدايي و بهبود تحصيلات و مهارت‌ها از يک سو موجب ارتقاي وضعيت افغان‌ها نيز بشود و از سوي ديگر پس از در نظر گرفتن نيازهاي بازار كار هم ايران و هم افغانستان بيش از اندازه آن‌ها را در ماندن در ايران ترغيب نكند. اين مسائل مي‌بايست به شكلي مد نظر شوراي عالي اجرايي امور اتباع بيگانه كه نهادي ميان وزارتخانه‌اي است قرار گيرد.

2-9) مهاجرت ايرانيان به خارج از كشور

به دلايل مختلف، شمار قابل ملاحظه اي از ايرانيان يا اقدام به جلاي وطن كرده اند و يا مستعد ترک كشور هستند. بخش عمده اي از اين گروه در زمرة باصلاحيت‌ترين نيروهاي كار ايران قرار دارند. در حقيقت، ايران جزو كشورها ي ردة بالايي است كه داراي مشكل فرار مغزها هستن د. همچنين، شواهد موجود حاكي از بازگشت اتباع متخ صص ايراني به كشور نيست. در مقابل، نيروي كم‌مهارت يا بي‌مهارت ايراني كمتر امكان يافتن شغلي مناسب در خارج از كشور را مي‌يابد. در مورد نخست، فرار مغزها بي‌شک موجب گسترش فقر در جامعه شده است. در مورد دوم،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

موانع مهاجرت موقت به خارج از کشور جهت یافتن کار مناسبي، که هم تواناييها را ارتقا دهد و هم موجب انباشت سرمايه شود، به معني عدم امکان کاهش فقر از طريق مهاجرت است.

به سادگي مي توان نتيجه گرفت که سياست دولت مي‌بايست ابتدا بر کاهش نرخ خروج ايرانيان صلاحيت‌دار متمرکز شود، زيرا اين پديده احتمالاً بيش از کل صادرات غيرنفتي براي کشور هزينه دارد. کاهش نرخ خروج ايرانيان صلاحيت دار کار آساني نيست، زيرا مجموعه اي از عوامل اقتصادي، سياسي و اجتماعي موجبات اين پديده را فراهم آورده‌اند. به علاوه، بايد مطمئن شد که سياست هاي کاهش‌دهندة فرار مغزها منجر به پيامد «از بين رفتن مغزها» نشود. بنابراين، سياست دولت مي‌بايست بر تمهيداتي تاکيد کند که عوامل منفي اقتصادي، اجتماعي و سياسي را کاهش مي‌دهند. شايد نخستين گام شناسايي اين عوامل باشد، اما به نحوي که عرصة سياسي کشور را ترغيب به پذيرش و پرداختن به آن‌ها نمايد. موضوع بسيار ساده اين است که بايد شرايطي فراهم آيد تا افراد با صلاحيت مطمئن شوند در وطنشان محترم هستند و مي‌توانند زندگي آبرومندانه‌اي براي خود دست و پا کنند.

همچنين، مي‌بايست به برقراري ارتباط مجدد با

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

افرادي كه پيش از اين ايران را ترک كرده‌اند توجه كرد . اخيرا شوراي عالي هماهنگي امور ايرانيان خارج از كشور با اختيارات گسترده‌تر از ستاد امور ايرانيان كه در گذشته فعال بوده است مسئوليت برقراري اين ارتباط را به عهده گرفته است. متأسفانه تلاش هاي ستاد به نتايج مطلوب ملموسي نرسيده بود . در واقع بسياري از عوامل سياسي، اجتماعي و اقتصادي، كه در وهل ة اول به فرار مغزها كمک كرده اند، اكنون نيز در هر برنامة ارتباط مجدد با ايرانيان مقيم خارج به عنوان مانع عمل مي كنند. با اين وجود، منافع بالقوة برنامه‌هاي بهبود يافت ة ارتباط مجدد نمي‌توانند كوچک باشند.

برنامه هاي كاهش نرخ مهاجرت متخصصان و ا يجاد ارتباط با ايرانيان مقيم خارج كشور داراي دورة تكوين طولاني هستند . در كوتاه مدت، نمي‌توان از فوايد فرستادن ا يرانيان به خارج از كشور، به روش اداره شده، غافل ماند . اما طي اجراي اين برنامه‌ها، بايد اطمينان حاصل كرد كه اقت صاد ايران از با ارزشترين نيروهاي كار خود محروم نماند. به علاوه نيروي كاري كه به خارج فرستاده مي‌شود مي‌بايست بتواند تواناييهايش را از طريق كار در كشورهاي خارجي بالا ببرد تا به هنگام بازگشت انتقال مهارت صورت گيرد. واضح است كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

برنامه‌های اعزام نیروی کار باید طوری ترتیب داده شوند که موجب مهاجرت دائم اتباع ایرانی نگردند. در عین حال، باید واقف بود که مهاجرت انتخابی است برای افراد یا خانواده هایی که به دنبال معاش بهتر هستند. در طراحی سیاست‌ها باید یقین حاصل شود که شأن و حقوق مهاجران متعارف و غیرمتعارف ـ نیروی کار ماهر و غیرماهر، زنان و مردان ـ حفظ شود.

همان‌طور که اشاره شد، در حال حاضر دولت ایران برنامه‌های نسبتاً مناسبی در زمینهٔ اعزام نیروی کار تدارک دیده است. اما دولت می‌بایست تلاش کند نظام جامعی با شرکت تمام وزارتخانه های مربوطه، جامعهٔ مدنی، متخصصان کشور و سازمان‌های بین‌المللی بدین منظور بنیان گذاشته شود. البته به نظر می رسد که این مقوله در حال حاضر با استقبال دولت روبروست. دولت ایران اکنون به دنبال تأسیس مراکزی برای تشکیل بانک‌های اطلاعاتی و مستندسازی است که به نیازهای مختلف مدیریت مهاجرت بپردازد. همچنین اخیراً پروژه ای میان دولت ایران و سازمان بین‌المللی مهاجرت به منظور تاسیس آکادمی مهاجرت و پناهندگی صورت بندی شده است. می‌بایست در تأسیس این موسسه تسریع شود تا نیازهای مختلف تحقیق و آموزش با توجه به مسائل مهاجرت را به عهده گیرد. افزون بر این، تلاش ها

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

براي امضاي قراردادهاي دوجانبه با كشورهاي نيازمند نيروي كار مهاجر، براي اعزام كنترل شدة نيروي كار و حفظ حقوق نيروي كار ايراني، مي‌بايست افزايش يابد.

هم اكنون امكان اندازه گيري ميزان انتقالات ارزي توسط ايرانيان جلاي وطن كرده (و همچنين به وسيلة نيروي كار خارجي در ايران) وجود ندارد. جهت نيل به اين مقصود، مي‌بايست روش‌هاي فعلي ارسال پول را رسميت داد يا اصلاح كرد (كه كار آساني نيست ولي بسيار واجب است). علاوه بر اين، براي بازگرداندن ارز به كشور با يد فرصت ها، تسهيلات و روش‌هاي ابتكاري جديدي در جهت جذب وجوه انتقالي توسط ايرانيان مهاجر به وجود آ يد تا جوابگوي نيازها و انتظارات آن‌ها باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

1. ادارة امور اتباع و مهاجرين خارجي. (1383)، پايگاه اينترنتي به نشاني **www.iranbafia.com**، رؤيت شده در 83/10/10.
2. **حيات نو اقتصادي** [روزنامه]. (1379)، سال اول، شماره 128، صفحة 8.
3. سازمان مديريت و برنامه ريزي. (1379)، **قانون برنامة سوم توسع ة اقتصادي، اجتماعي و فرهنگي**، تهران: سازمان مديريت و برنامه ريزي.
4. ساعتچي يزدي، حسين [به كوشش]. (1379)، **قانون كار**، تهران، مجمع علمي و فرهنگي مجد.
5. كميساريای عالي پناهندگان. (1383الف)، **جداول اِكسِل در مو رد پناهندگان افغان بر اساس پايگاه هاي اطلاعاتي آمايش و بازگشت موجود در دفتر تهران.**
6. كميساريای عالي پناهندگان. (1383ب)، **جداول اِكسِل در مورد پناهندگان عراقي در ايران بر اساس پايگاه هاي اطلاعاتي موجود در دفتر تهران.**
7. **نوروز**. [روزنامه]. (1380)، شماره 24، صفحة 10.
8. Carrington, W.J. and Detragiache, E. (1998), **"How big is the brain drain?"** IMF Working Paper 98/102.
9. Harris, N. (2002), **"Thinking the Unthinkable: The Immigration Myth Exposed"**, London: I.B. Tauris.
10. IOM. (2005), **"World Migration Report 2005"**, Geneva: IOM.
11. Mostashari, A. and Khodamhosseini, A. (2004), **"An Overview of Socio-economic Characteristics of the Iranian-American Community Based on the 2000 Census",** MIT Iranian Studies Group Report.
12. Munzele Maimbo, S. (2003), **"The Money Exchange Dealers of Kabul: A Study of the Hawala System in Afghanistan",** World Bank Working Paper

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

No. 13.

13. Russell, S. (1992), **"Migrant Remittance and Development",** International Migration, Vol. 30, No. 3-4: 267-287.
14. Sahlins, M. (1974), **"Stone Age Economics"**, London: Tavistock.
15. Skeldon, R. (1990), **"Population Mobility in Developing Countries: A Reinterpretation"**, London: Belhaven.
16. Skeldon, R. (2003), **"Migration and Poverty",** Presented at the Conference on African Migration and Urbanization in Comparative Perspective.
17. UNHCR. (2004a), **"Statistical Yearbook 2002"**, Geneva: UNHCR.
18. UNHCR (2004b), **"2003 Global Refugee Trends",** Geneva: UNHCR.
19. UNHCR (2004c), **"Asylum Levels and Trends in Industrialized Countries, Q3",** Geneva: UNHCR [15 November].
20. UNHCR (2005), **"UNHCR Global Report 2005"**, Geneva: UNHCR.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]